



مطالعات تفسیری آلاء الرحمن

فصلنامه علمی - تخصصی

مطالعات تفسیری آلاء الرحمن

گروه علمی - تربیتی تفسیر و علوم قرآن جامعة الزهراء (ع)

دوره سوم * شماره یازدهم * بهار ۱۴۰۴



بررسی تفسیر روائی فریقین در خصوص آیه «يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ»

هادی رزاقی هریکنده^۱

چکیده

آیه «يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ» (هود: ۱۷) از جمله آیاتی است که در طول تاریخ تفسیر، محل اختلاف نظر و مناقشه میان مفسران فریقین بوده و تعیین مقصود از «شاهد» در آن، به‌ویژه در نسبت با جایگاه امیرالمؤمنین علی (ع)، مورد توجه جدی عالمان هر دو مذهب قرار گرفته است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی، به بررسی آرای تفسیری شیعه و اهل سنت درباره مفهوم و مصداق «شاهد» پرداخته و در پی پاسخ به این پرسش است که نگاه مفسران دو مکتب در تبیین این واژه کلیدی چه تفاوت‌ها و نقاط اشتراکی دارد؟ یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که مفسران اهل سنت، «شاهد» را بر مصادیق متعددی همچون رسول خدا (ص)، جبرئیل امین و قرآن کریم تطبیق داده‌اند و در عین حال، برخی از آنان احتمال ارتباط آیه با فضیلت امام علی (ع) را نیز، در میان احتمالات دیگر، پذیرفته‌اند؛ بدون آنکه به رد یا انکار آن بپردازند. در مقابل، مفسران روایی شیعه، با استناد به روایات فراوان و شواهد تفسیری متعدد، به‌طور اتفاقی «شاهد» را امیرالمؤمنین علی (ع) دانسته و آیه را ناظر به بیان فضیلت و تأیید مقام امامت ایشان تفسیر کرده‌اند. تحلیل نهایی پژوهش نشان می‌دهد که بر پایه داده‌های روایی، سیاق آیه و هماهنگی داخلی تفسیر، انطباق «شاهد» بر امام علی (ع) از استحکام علمی بیشتری برخوردار است و در نتیجه، تفسیر شیعی در تبیین مراد آیه قابل دفاع‌تر و نزدیک‌تر به شواهد نقلی ارزیابی می‌شود.

واژگان کلیدی

يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ، شاهد، تفاسیر روایی، مفسران شیعه و اهل سنت، امامت، فضیلت امام علی (ع) و اختلاف تفسیری فریقین.

 razaghi@nit.ac.ir	۱. دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه صنعتی نوشیروانی، بابل، ایران.
 0009-0001-7608-9337	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۵	تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۰
استناددهی: رزاقی هریکنده‌نی، هادی (۱۴۰۴). «بررسی تفسیر روائی فریقین در خصوص آیه «يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ»». مطالعات تفسیری آلاء الرحمن، دوره ۳، ش ۱۱، صفحات ۷-۲۵.	
 https://alaorahman.jz.ac.ir/article_243585.html	

۱. مقدمه

حکمت الهی بر این قرار گرفته است که پس از وجود مبارک پیامبر گرامی اسلام ﷺ، امر امامت و تبلیغ از دین و خلافت به شخصی واگذار شود که به تمامی معارف قرآن آگاهی داشته باشد تا بتواند انسان‌ها را به صراط مستقیم هدایت کرده و آنان را در تشخیص حق از باطل رهنمون سازد. از این رو در بسیاری از آیات قرآن، در وصف این انسان کامل، یعنی امیرالمؤمنین علیؑ، فضایل و ویژگی‌هایی بیان شده است که نشان می‌دهد آن حضرت پس از رسول خدا ﷺ از آگاهی کامل نسبت به معارف الهی و دیگر شایستگی‌های مناسب با امامت برخوردار بوده است.

با این حال، متأسفانه به سبب امیال نفسانی گروهی، منصب امامت این برگزیده الهی مورد غصب قرار گرفت و با به‌کارگیری شیوه‌های گوناگون از ناحیه معاندان، اقشار مختلف جامعه از این رحمت الهی محروم شدند. البته در شأن والا و فضیلت آن حضرت، آیات فراوانی نازل شده است و حاکم حسکانی در کتاب شواهد التنزیل آیات متعددی از آن‌ها را گردآوری کرده است (حسکانی، ۱۴۱۱: ۱/ ۱۷). از جمله این آیات، آیه ۱۷ سوره هود است که مفسران شیعه و اهل سنت نیز روایات گوناگونی درباره آن نقل کرده‌اند.

از این رو بررسی دیدگاه‌های روایی مفسران فریقین در این زمینه از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ زیرا شناسایی نقاط مشترک می‌تواند در برون‌رفت از اختلافات احتمالی میان دو مذهب و نیز در راستای تقریب مذاهب اسلامی مؤثر باشد. بر همین اساس، پژوهش حاضر درصدد است عبارت «يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ» را با بررسی روایات از دیدگاه شیعه و اهل سنت مورد تحلیل و تبیین قرار دهد.

در ارتباط با این آیه، مفسران متعددی از شیعه به تبیین و تفسیر آن پرداخته‌اند که از جمله می‌توان به تفاسیر روایی همچون تفسیر قمی اثر علی بن ابراهیم قمی، تفسیر عیاشی نوشته محمدبن مسعود عیاشی، البرهان فی تفسیر القرآن تألیف سیدهاشم بحرانی و نورالثقلین اثر عروسی حویزی اشاره کرد. تفاسیر روایی شیعه با استناد به روایات فراوان و شواهد متعدد، این آیه را آشکارا ناظر به امامت و فضیلت حضرت امام علیؑ دانسته‌اند.

در مقابل، مفسران اهل سنت در تفسیر و تعیین مصداق «شاهد» در این آیه دچار اختلاف نظر شده و چندین احتمال را مطرح کرده‌اند؛ از جمله: رسول خدا ﷺ (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۵: ۶/ ۲۰۱۴؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳/ ۳۲۴)، لسان پیامبر (طبری، ۱۴۱۲: ۱۲/ ۱۰)، جبرئیل (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۵: ۶/ ۲۰۱۴؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۴/ ۲۷)، قرآن کریم (طبری، ۱۴۱۲: ۱۲/ ۱۱؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۴/ ۲۷)، و نیز فضیلت امیرالمؤمنین علی علیه السلام (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳/ ۳۲۴؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۵/ ۱۶).

طرح احتمال اخیر از سوی برخی از مفسران اهل سنت، بدون رد، نقد یا انکار آن، نشان می‌دهد که آنان این تفسیر را به‌عنوان یکی از احتمالات معتبر پذیرفته و در سند روایات مرتبط با آن نیز تردیدی اظهار نکرده‌اند؛ زیرا در غیر این صورت، با شیوه‌های مختلف درصدد رد و تضعیف آن برمی‌آمدند. این امر خود قرینه‌ای بر توجه آنان به اعتبار این دیدگاه است. هدف پژوهش حاضر که با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده، بیان و تحلیل دیدگاه‌های مطرح‌شده از سوی مفسران اهل سنت و شیعه است. بررسی نهایی نشان می‌دهد که با توجه به شواهد روایی و قرائن تفسیری، نزول آیه «يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ» با امامت و فضیلت امام علی علیه السلام ارتباط وثیق دارد.

۲. پیشینه تحقیق

در رابطه با پیشینه تحقیق درباره رهیافت تفسیری به آیه شریفه «يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ» با عنایت به تفاسیر روایی فریقین، تا آنجا که بررسی شده است، تألیف یا ارزیابی مستقلی تدوین نگردیده و تنها می‌توان به کتب تفسیری روایی شیعه و اهل سنت اشاره کرد که هر یک به‌صورت مستقل، روایات و مطالبی را در تفسیر این آیه بیان داشته‌اند؛ اما از منظر تطبیقی، تاکنون پژوهش مستقلی در این زمینه ارائه نشده است.

قابل ذکر است که درباره این آیه تنها دو مقاله نگاشته شده است:

الف) نخست، مقاله‌ای با عنوان «وجوه مختلف ادبی در عبارت آغازین آیه ۱۷ سوره هود و بازتاب آن در تفسیر عبارت «شاهد منه»»، در فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث، دوره ۱۲، شماره ۲۶، شهریور ۱۳۹۴، صفحات ۱۰۱-۱۲۴، نوشته محمد سیاه منصوری و زهرا صادقی

چهارده، است که ارتباط مستقیمی با مقاله حاضر ندارد؛ زیرا نویسندگان آن بیشتر با مراجعه به کتب لغت، درباره فعل «یتلوه» و مرجع ضمیر «منه» بحث کرده‌اند و تمرکز اصلی مقاله بر نقد دیدگاه طبری در جامع البیان است؛ جایی که وی «منه» را به خداوند متعال و «شاهد» را به جبرئیل تفسیر کرده است.

ب) مقاله دیگر با عنوان «مصدق صاحب یننه و شاهد در آیه ۱۷ سوره هود با تأکید بر روایات تفسیری فریقین» در مجله علوم قرآن و حدیث، دوره ۱۹، شماره ۴، بهمن ۱۴۰۱، تألیف محمدرضا سازمند و فاطمه مرادی، صفحات ۱۱۷-۱۴۹، است. این مقاله، اولاً بیشتر به تبیین و بررسی مصادیق آیه «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ» پرداخته و تنها به صورت گذرا به عبارت «يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ» اشاره کرده است؛ ثانیاً رویکرد آن منحصر به تفاسیر روایی نبوده، بلکه به طور کلی همه تفاسیر را مدنظر قرار داده است.

در حالی که مقاله پیش‌رو، ابتدا به معرفی و بررسی دیدگاه برجسته‌ترین تفاسیر روایی فریقین - از جمله تفسیر قمی از علی بن ابراهیم قمی، تفسیر عیاشی از محمد بن مسعود عیاشی، و تفسیر القرآن العظیم از ابن ابی حاتم - پرداخته و سپس به صورت استدلالی، به تحلیل تفسیری مصادیق آیه «يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ» و نقد دیدگاه‌های برخی از تفاسیر اهل سنت می‌پردازد؛ از این رو، پژوهش حاضر از حیث رویکرد، تمرکز و روش بررسی، با آثار پیشین تفاوت دارد.

۳. مفهوم شناسی

در آیه «يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ» با واژگانی روبه‌رو می‌شویم که شناخت دقیق مفاهیم آن‌ها نیازمند به بررسی است؛ زیرا با روشن شدن مراد این الفاظ، دسترسی به حقیقت و مدعای مورد نظر آسان‌تر خواهد شد. از این رو، در ادامه به بازشناسی مفاهیم مورد نظر می‌پردازیم تا ضمن تبیین صحیح مسئله، مفاهیم کلیدی نیز به صورت روشن بیان گردد.

الف) «يَتْلُوهُ»

یکی از معانی که اهل لغت برای «تلا» ذکر کرده‌اند، معنای پیروی کردن است. چنان‌که راغب اصفهانی و ابن منظور در این باره گفته‌اند: «تَلَا» یعنی به گونه‌ای از کسی پیروی کرد که میان آن دو

چیزی فاصله و حائل نباشد (پیروی و متابعت بدون حائل و واسطه). این پیروی گاه متابعت جسمی است و گاه به صورت اقتدا و فرمان‌بری در حکم؛ که مصدر آن «تَلَّوْ» و «تَلَّوْ» است. همچنین گاهی به معنای پیروی، پیایی خواندن، تدبّر و اندیشه نیز به کار رفته است که مصدر آن «تِلَاوَة» می‌باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۶۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۴/۱۰۲).

قرشی نیز گفته است: «تَلَّوْ» بر وزن «عَلَّوْ»، «تَلَّوْ» بر وزن «حَبَر» و «تِلَاوَة» به معنای تبعیت و از پی رفتن است. وی همچنین می‌گوید: خواندن آیات الهی و تدبّر در آن‌ها را از آن جهت «تِلَاوَة» می‌گویند که نوعی متابعت از آن‌هاست؛ گویی شخص قاری در پی کلمات و معانی حرکت می‌کند (قرشی، ۱۳۶۷: ۱/۲۷۸).

همچنین مصطفوی نیز در «التحقیق» مفهوم اصلی این واژه را «متابعت» دانسته است (مصطفوی، ۱۴۱۶: ۱/۳۹۴). همچنین ابن فارس اصل معنای «تَلَّوْ» را «اتباع» دانسته و می‌گوید: «و منه تلاوة القرآن لانه يتبع آیه بعد آیه» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱/۳۵۱).

(ب) «شَهِدَ»

راغب اصفهانی «الشَّهَادَة» و «الشَّهَدَاء» را به معنای حاضر بودن و گواه بودن - یا از طریق مشاهده با چشم و یا از راه اندیشه و بصیرت - دانسته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۶۵). ابن منظور نیز «الشاهد» و «الشهید» را به معنای حاضر بودن معنا کرده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳/۲۴۱). واژه «شهود» به عنوان جمع «شاهد» نیز در قرآن آمده است: «وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ» (یونس: ۶۱).

همچنین جمع دیگر آن «اشهاد» است: «وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى رَبِّهِمْ» (هود: ۱۸): «وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ» (غافر: ۵۱).

این آیات نشان می‌دهد که «شهود» جمع «شاهد» به معنای حاضر و بیننده و «اشهاد» جمع «شاهد» به معنای شهادت‌دهنده است. در التحقیق نیز آمده است که اصل در این ماده عبارت است از: «هو العلم بالحضور عند المعلوم و معاينته؛ علم به حضور نزد معلوم و مشاهده عینی آن» (مصطفوی، ۱۴۱۶: ۶/۱۳۰).

«الشهادة» مصدر و اسم از «شهد له أو عليه» است؛ یعنی گواهی دادن به سود یا زیان کسی. در تبیین آیه شریفه «أَقْمَنُ كَانَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ» گفته شده است که مقصود، برهانی از سوی خداوند و بیان حجتی بر حقانیت دین اسلام است که همان دلیل عقل به‌شمار می‌آید، و در ادامه آیه «يَتْلُوهُ أَى يَتَّبِعْ ذَلِكَ الْبَرَّهَانُ شَاهِدٌ»؛ یعنی شاهدی آن برهان را که پیامبر گرامی اسلام از سوی خداوند آورده است، پیروی و متابعت می‌کند (طریحی، ۱۳۷۵: ۷۸/۳).

۴. اقوال مفسران در بیان مصادیق آیه «يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ»

تفاسیر روایی شیعه با استناد به روایات فراوان و شواهد متعدّد، مراد از شاهد در این آیه را مرتبط با امامت و فضیلت حضرت امام علی علیه السلام می‌داند. ما در ادامه ابتدا به بیان برخی نظرات مفسران شیعه پرداخته و سپس در ادامه به دیدگاه مفسران اهل سنت نیز خواهیم پرداخت.

۴-۱. دیدگاه مفسران شیعه

تفاسیر روایی شیعه آیه «يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ» (هود: ۱۷)، را ناظر به امامت و فضیلت حضرت امام علی علیه السلام دانسته و بیان می‌کنند که آن حضرت «شاهد» و گواه بر صدق نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. از این رو، به‌عنوان نمونه به چند مورد از این تفاسیر اشاره می‌شود:

۴-۱-۱. تفسیر فرات کوفی

فرات کوفی در ضمن نقل روایتی، این آیه را از آیات مرتبط با امامت و فضیلت حضرت امام علی علیه السلام دانسته و منظور از «شاهد» را آن حضرت معرفی کرده است.

وی می‌نویسد:

«جعفر بن محمد الفزاری از زاذان نقل می‌کند که شنیدم علی علیه السلام می‌فرمود: «هیچ مردی از قریش نیست مگر آن‌که درباره او آیه‌ای از کتاب خدا نازل شده است که او را به سوی بهشت می‌برد یا به دوزخ می‌کشاند». مردی گفت: «ای امیرالمؤمنین! آیا درباره شما نیز آیه‌ای نازل شده است؟» فرمود: «شنیدم که خداوند فرمود: «أَقْمَنُ كَانَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ» پس محمد صلی الله علیه و آله بر حجتی روشن از سوی پروردگار خویش است و من شاهدی از او هستم که

آثار او را پیروی می‌کنم» (فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۱۸).

۴-۲. تفسیر البرهان

سیدهاشم بحرانی، از مفسران شیعه، این آیه را از جمله آیاتی دانسته است که با امامت و فضیلت حضرت امام علی علیه السلام ارتباط دارد و مراد از «شاهد» در آن را نیز آن حضرت معرفی می‌کند. وی در این باره چند روایت نقل کرده است که در اینجا به عنوان نمونه به سه روایت اشاره می‌شود.

روایت اول: اصبح بن نباته نقل می‌کند که گفت از امام علی علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «اگر مسندی برای من نهاده شود، در میان اهل تورات به توراتشان، در میان اهل انجیل به انجیلشان، در میان اهل زبور به زبورشان و در میان اهل فرقان به فرقانشان داوری می‌کنم؛ حکمی که با درخشندگی به سوی خدا بالا رود. به خدا سوگند، هیچ آیه‌ای در شب یا روز، در زمین هموار یا کوه، در خشکی یا دریا نازل نشده است مگر آن که من می‌دانم درباره چه کسی و در چه موضوعی نازل شده است. هیچ مردی از قریش نیست مگر آن که درباره او آیه‌ای از کتاب خدا نازل شده است که او را به سوی بهشت می‌برد یا به دوزخ می‌کشاند» مردی گفت: «ای امیرالمؤمنین! آیا درباره شما نیز آیه‌ای نازل شده است؟» فرمود: «شنیدم که خداوند می‌فرماید: ﴿أَقَمَنَّ كَانَ عَلَى يَبْنِيَّةٍ مِنْ رَبِّهِ وَ يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ﴾، پس محمد صلی الله علیه و آله بر حجتی روشن از سوی پروردگار خویش است و من شاهدی از او هستم که آثار او را پیروی می‌کنم» (بحرانی، ۱۴۱۶: ۹۱/۳). این روایت را فرات کوفی و حاکم حسکانی نیز در آثار خود نقل کرده‌اند (فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۱۸۸؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۳۶۸/۱).

روایت دوم: در یکی از روزهای جمعه، امیرالمؤمنین علی علیه السلام بر منبر خطبه‌ای ایراد کرد و در ضمن آن فرمود: «سوگند به خدایی که دانه را در دل زمین می‌شکافد، درباره هیچ مردی از قریش آیه‌ای در کتاب خدا نازل نشده است مگر آن که من آن را می‌دانم» در این هنگام مردی برخاست و گفت: «ای امیرالمؤمنین! کدام آیه از قرآن درباره شما نازل شده است؟» فرمود: «اکنون که پرسیدی، می‌گویم؛ و جز من کسی پاسخ این سؤال را نمی‌داند. آیا سوره هود را تلاوت کرده‌ای؟» گفت: «آری، ای امیرالمؤمنین». فرمود: «آیا شنیده‌ای که خداوند عزوجل می‌فرماید:

﴿أَقْمَنَ كَانَ عَلَى بَيْتِهِ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ﴾؟ گفت: «بلی». فرمود: «فالذی علی بینه من ربه محمد ﷺ و الذی یتلوه شاهد منه هو الشاهد و هو منه، و أنا علی بن ابی طالب؛ یعنی کسی که از سوی پروردگارش بر بینه است، محمد ﷺ است و آن که به دنبال او شاهی از اوست، من علی بن ابی طالب هستم؛ من همان شاهد هستم و از او می باشم» (بحرانی، ۱۴۱۶: ۹۱/۳).

روایت سوم: حسین بن حکم با چند واسطه از عبدالله بن عطا نقل می کند که گفت: «همراه امام باقر ﷺ در مسجد النبی ﷺ نشسته بودم. در این هنگام دیدم فرزند عبدالله بن سلام در گوشه ای نشسته است. به امام باقر ﷺ عرض کردم: «می گویند پدر این مرد همان کسی است که علم کتاب نزد اوست» امام ﷺ فرمود: «نه، بلکه آن شخص امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب ﷺ است که این آیه درباره او نازل شده است: ﴿أَقْمَنَ كَانَ عَلَى بَيْتِهِ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ﴾ پیامبر از جانب پروردگارش بر بینه ای روشن بود و امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب شاهی از او بود» (فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۱۸۹؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۹۱/۳).

۳-۱-۴. نور الثقلین

عروسی حویزی نیز این آیه را از جمله آیاتی دانسته است که با امامت و فضیلت حضرت امام علی ﷺ ارتباط دارد و مراد از «شاهد» در آن را امام علی ﷺ معرفی می کند. وی افزون بر روایات پیشین، دو روایت دیگر را نیز با اندکی تفاوت نقل کرده است.

روایت اول: اصبغ بن نباته از امیرالمؤمنین ﷺ نقل می کند که فرمود: «در قرآن آیه ای نیست مگر آن که من به علم آن آگاهم. به خدا سوگند، هیچ آیه ای در کتاب خدا در شب یا روز نازل نشده است مگر آن که می دانم درباره چه چیزی نازل شده است. هیچ مردی نیست مگر آن که آیه ای از کتاب خدا درباره او نازل شده که او را به سوی بهشت می برد یا به سوی دوزخ می کشاند» در این هنگام مردی پرسید: «ای امیرالمؤمنین! آیا درباره شما نیز آیه ای نازل شده است؟» امام ﷺ فرمود: «آیا نشنیده ای که خداوند می فرماید: ﴿أَقْمَنَ كَانَ عَلَى بَيْتِهِ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ﴾؟ پس رسول خدا ﷺ بر بینه ای روشن از سوی پروردگار خویش است و من شاهد او در این بینه هستم و همراه او آن را تلاوت کرده و از او پیروی می کنم» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۳۴۵/۲).

روایت دوم: جابر بن عبد الله بن یحیی نقل می‌کند که از امام علی علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «هیچ مردی از قریش نیست مگر آن‌که درباره او یک یا دو آیه از کتاب خدا نازل شده است» مردی از میان قومش به امام عرض کرد: «ای امیرالمؤمنین! آیا درباره شما نیز آیه‌ای نازل نشده است؟» امام فرمود: «مگر آیه‌ای را که در سوره هود آمده نخوانده‌ای که می‌فرماید: ﴿أَفَمَنْ كَانَ عَلَى يَتْنِهِ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ﴾؟ محمد صلی الله علیه و آله بر یتنه‌ای روشن از سوی پروردگار خویش است و من شاهد آن هستم» (فراش کوفی، ۱۴۱۰: ۱۸؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۲/۳۴۷).

در دیگر تفاسیر روایی شیعه نیز روایات فراوانی نقل شده است که این آیه را از جمله آیاتی می‌دانند که با امامت و فضیلت حضرت امام علی علیه السلام ارتباط دارد و مراد از «شاهد» در آن‌ها حضرت معرفی کرده‌اند. از آنجا که ذکر همه این روایات موجب طولانی شدن بحث می‌شود، تنها به منابع آن‌ها اشاره می‌شود: (قمی، ۱۳۶۷: ۱/۳۲۴؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۲/۱۴۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۲/۴۳۷).

همچنین در برخی از تفاسیر غیرروایی شیعه نیز مراد از «شاهد» در این آیه، حضرت امام علی علیه السلام دانسته شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۰/۱۸۳).

۴-۲. دیدگاه مفسران اهل سنت

مفسران اهل سنت درباره تفسیر و تعیین مصداق آیه «يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ» (هود: ۱۷)، اختلاف نظر داشته و احتمالات گوناگونی را مطرح کرده‌اند؛ از جمله: شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله لسان آن حضرت، جبرئیل، قرآن و نیز امام علی علیه السلام. در اینجا پس از نقل روایات تفسیری اهل سنت، به تحلیل و بررسی آنها پرداخته می‌شود:

۴-۲-۱. شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله

یکی از احتمالاتی که در تفاسیر روایی اهل سنت درباره تعیین مصداق «شاهد» در آیه «وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ» مطرح شده، شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله است. بر اساس این دیدگاه، مراد از «شاهد» خود آن حضرت است؛ زیرا ایشان از سوی خداوند گواه بر کلامی هستند که به ایشان وحی شده است. در این باره روایتی از مفسرانی همچون طبری، ابن ابی حاتم و سیوطی نقل شده است.

آنان روایتی را از ابوسعید اشج، (یکی از روایان اهل سنت در قرن سوم هجری: ۱۷۳-۲۵۷ق) با چند واسطه از حسین بن علی نقل کرده‌اند: «حدثنا أبو سعيد الأشج، ثنا أبو أسامة، عن عوف، عن سليمان العلاف، عن الحسين بن علي: وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ يعني: محمداً ﷺ، شاهد من الله». یعنی مقصود از ﴿وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ﴾، محمد ﷺ است که از جانب خداوند گواه می‌باشد (طبری، ۱۴۱۲: ۱۰/۱۲؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۵: ۶/۲۰۱۴؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳/۳۲۴).

نقد دیدگاه

با توجه به این روایت و روایات دیگری که در برخی تفاسیر آمده است، «شاهد» به رسول خدا نسبت داده شده؛ در حالی که ظاهر آیه بر چنین معنایی دلالت ندارد. نخست آن که کلام الهی درصدد بیان وجود شخص دیگری برای تأیید این «بینه» روشن است؛ چنان که واژه «يَتْلُوهُ» از نظر معنایی دلالت بر پیروی و همراهی دارد و نشان می‌دهد که فردی دیگر پس از پیامبر قرار دارد. بنابراین، نمی‌توان پیامبر را مصداق این «شاهد» دانست. به بیان دیگر، با توجه به این که مقصود از ﴿أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ﴾ خود رسول خداست، اگر «شاهد» نیز به همان حضرت بازگردد، کلام دچار تکرار و بی‌معنایی خواهد شد؛ از این رو این قول قابل پذیرش نیست.

دوم آن که در سند این روایت شخص «ابو اسامه» وجود دارد که مورد نقد رجال قرار گرفته است؛ چنان که ابوسفیان ثوری درباره او می‌گوید: «در شگفتم که چگونه احادیث ابواسامه پذیرفته می‌شود، در حالی که حال او معلوم بود و در سرقت احادیث نیکو بر دیگران پیشی می‌گرفت» (ذهبی، ۱۴۰۷: ۲/۳۵۷).

بر این اساس می‌توان گفت مقصود از «شاهد منه» شخصی است که همراه رسول اکرم ﷺ با بصیرت و آگاهی شهادت می‌دهد که قرآن حق و از جانب پروردگار است و این شهادت سبب جلب توجه مردم و پذیرش ادعای پیامبر مبنی بر الهی بودن آیات قرآن می‌شود؛ بنابراین این «شاهد» نمی‌تواند خود شخص پیامبر ﷺ باشد.

۴-۲-۲. لسان مبارک رسول خدا ﷺ

برخی دیگر از مفسران اهل سنت روایاتی نقل کرده‌اند که بر اساس آنها مقصود از «شاهد» در این آیه مورد بحث ﴿وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ﴾ زبان پیامبر ﷺ است. طبری و ابن ابی حاتم روایتی را در این زمینه نقل کرده‌اند: «عن محمد بن علي قال: «قلت لأبي: «يا أبا، وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ، إن الناس يقولون إنك أنت هو» قال: «وددت أني أنا هو، لكنه لسانه». از محمد بن علی نقل شده است که گفت: به پدرم گفتم: «ای پدر! درباره آیه ﴿وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ﴾ مردم می‌گویند آن شاهد تو هستی». فرمود: «دوست داشتم که چنین باشد، ولی مقصود زبان پیامبر ﷺ است»؛ زیرا آن حضرت با زبان خود قرآن را تلاوت می‌کرد. این روایت از حسن و قتاده نیز نقل شده است (طبری، ۱۴۱۲: ۱۲/۱۰؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۵: ۶/۲۰۱۴).

ثعلبی و سیوطی نیز روایاتی با همین مضمون نقل کرده‌اند. از جمله آمده است که محمد بن علی گفت: «به پدرم گفتم مردم درباره آیه ﴿وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ﴾ می‌گویند آن شاهد تو هستی». فرمود: «دوست داشتم چنین باشد، ولی مقصود زبان محمد ﷺ است؛ زیرا قرآن با آن تلاوت می‌شد (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳/۳۲۴).

بر این اساس، یکی از احتمالاتی که درباره «شاهد» در این آیه مطرح شده، زبان پیامبر ﷺ است؛ زیرا از طریق آن، این حجت الهی برای مردم بیان می‌شده است.

نقد دیدگاه

در نقد این دیدگاه باید گفت که سیاق آیه دلالتی بر این معنا ندارد که مقصود از «شاهد»، زبان پیامبر ﷺ باشد. زیرا با بازگرداندن ضمیر «يَتْلُوهُ» به مرجع نخست، یعنی «مَنْ»، روشن می‌شود که «یتلوه» در اینجا به معنای پیروی و دنبال کردن شخص است، نه صرف تلاوت. بنابراین مراد از «شاهد» نمی‌تواند زبان پیامبر ﷺ به عنوان تلاوت‌کننده وحی باشد. همچنین اگر ضمیر در «مِنْهُ» را نیز به «مَنْ» بازگردانیم، معنای آیه چنین خواهد بود: «و شاهدی از خود او، او را (کسی را که بر پینه است) پیروی می‌کند» از این رو تفسیر «شاهد» به لسان پیامبر با ساختار معنایی آیه سازگار نیست.

۴-۲-۳. جبرئیل امین

سومین مصداقی که در میان برخی از مفسران اهل سنت مطرح شده، جبرئیل است. آنان در چند روایت با مضامین مشابه، به نقل از ابن عباس و مجاهد بیان کرده‌اند که مقصود از «شاهد» در آیه، جبرئیل است. طبری و سیوطی در آثار خود چنین روایتی نقل کرده‌اند: «عن ابن عباس رضي الله عنهما: «أَقَمَنْ كَانَ عَلَى بَيْتِهِ مِنْ رَبِّهِ»، قال: «محمد، وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ»، قال: «جبريل، فهو شاهد من الله بالذي يتلو من كتاب الله» یعنی مقصود از «شاهد» در این آیه جبرئیل است؛ زیرا او قرآن را که بر محمد ﷺ نازل شده بود، تلاوت می‌کرد (طبری، ۱۴۱۲: ۱۱/۱۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳/۳۲۴).

همچنین ابن ابی حاتم و ابن کثیر نیز روایتی از ابن عباس نقل کرده‌اند که در آن آمده است منظور از «وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ» جبرئیل است. ابن ابی حاتم افزون بر این، روایتی از مجاهد نیز با همین مضمون نقل کرده و می‌نویسد: «وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ قال: جبريل، تلا التوراة والإنجيل والقرآن، وهو الشاهد من الله عز وجل» یعنی مقصود از «شاهد» در این آیه جبرئیل است؛ زیرا او از جانب خداوند تورات، انجیل و قرآن را تلاوت کرده و به همین جهت شاهی از سوی خداوند به‌شمار می‌آید (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۵: ۶/۲۰۱۴؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۴/۲۷).

نقد دیدگاه

در بررسی این دیدگاه باید گفت که حضور جبرئیل به‌عنوان شاهد، تنها در هنگام نزول وحی معنا دارد؛ در حالی که سیاق آیه، ناظر به امری فراتر از زمان نزول وحی است و به همراهی و پیروی مستمر از پیامبر ﷺ اشاره دارد.

نخست آن‌که این دسته از روایات با استناد به خود آیه قابل نقد است؛ زیرا حرف «مِنْ» در عبارت «مِنْهُ» یا بیانیه است، بدین معنا که شاهد از جنس پیامبر ﷺ و متصف به صفات اوست، یا تبعیضیه است، یعنی شاهد بخشی از وجود پیامبر ﷺ و به منزله نفس او به‌شمار می‌آید (تقفی تهرانی، ۱۳۹۸: ۷۱/۳). روشن است که چنین نسبتی درباره جبرئیل قابل تصور نیست؛ زیرا وظیفه جبرئیل تنها رساندن وحی از سوی خداوند بوده و این معنا فراتر از محدوده مأموریت اوست.

دوم آن که با بازگرداندن ضمیر «یتلوه» به مرجع نخست یعنی «مَنْ»، روشن می شود که «یتلوه» به معنای پیروی و دنبال کردن است، نه صرف تلاوت. بنابراین «شاهد» نمی تواند جبرئیل به عنوان تلاوت کننده وحی باشد. بر این اساس، این احتمال نیز قابل پذیرش نخواهد بود.

۴-۲-۴. قرآن کریم

از دیگر مصادیقی که برخی از مفسران اهل سنت برای «شاهد» در آیه ﴿وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ﴾ ذکر کرده اند، قرآن کریم است. آنان در این باره روایاتی نقل کرده اند. ابن ابی حاتم و ابن کثیر در آثار خود می نویسند: «(رسول خدا ﷺ) بر پینه ای روشن از سوی خداوند بود و مقصود از ﴿وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ﴾ قرآن است؛ زیرا قرآن معجزه ای از جانب پروردگار برای پیامبرش بود و آن حضرت آن را تلاوت می کرد، از این رو شاهد به شمار می آمد» (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۵: ۶/۲۰۱۵؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۴/۲۷؛ ابن عاشور، ۱۴۱۷: ۱۱/۲۲؛ وهبه زحیلی، ۱۴۱۸: ۱۲/۴۱). طبری نیز همین مضمون را با سلسله روایان دیگری نقل کرده است (طبری، ۱۴۱۲: ۱۱/۱۲).

این دسته از روایات نشان می دهد که برخی از مفسران اهل سنت «شاهد» را همان قرآن دانسته اند؛ زیرا قرآن به عنوان معجزه الهی برای پیامبر اسلام ﷺ نازل شده و آن حضرت آن را برای مردم تلاوت می کرد، از این رو گواه بر صدق رسالت او تلقی شده است.

نقد دیدگاه

در تحلیل این دیدگاه چند نکته قابل توجه است. نخست آن که در برخی از این روایات، «عبدالرحمن بن زید بن اسلم» در سلسله سند قرار دارد و رجالیان بر ضعف او اتفاق نظر دارند. آنان بیان کرده اند که به دلیل ضعف حافظه، اهل علم به روایات او احتجاج و استناد نمی کنند؛ از این رو روایات او مخدوش و از درجه اعتبار ساقط است (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۷: ۶/۱۶۲).

دوم آن که با بازگرداندن ضمیر «یتلوه» به مرجع نخست یعنی «مَنْ»، روشن می شود که «یتلوه» در این آیه به معنای پیروی و دنبال کردن شخص است. همچنین اگر ضمیر «مِنْهُ» را نیز به همان مرجع بازگردانیم، معنای آیه چنین خواهد شد: «(و شاهی او را - کسی را که بر پینه است - پیروی می کند که از خود اوست». بنابراین «مِنْ» در اینجا یا بیانیه است و یا تبعیضیه و در هر

دو صورت نمی‌توان «شاهد» را به قرآن تفسیر کرد.

بر این اساس، مراد از «شاهد» شخصی است که با فرد مذکور در ابتدای آیه ارتباطی نزدیک دارد؛ به گونه‌ای که از او یا همچون نفس او به‌شمار می‌آید. این معنا با دیدگاه آن دسته از مفسرانی که مراد از آیه را وصی رسول خدا دانسته‌اند، سازگارتر است (سیاه منصوری، و همکاران، ۱۹۴: ۱۰۱). سوم آن‌که هرچند قرآن خود دلیلی روشن و معجزه‌ای الهی برای پیامبر بود و آن حضرت آن را برای مردم تبیین می‌کرد، اما نمی‌توان آن را «پیرو» یا «تابع» پیامبر ﷺ دانست؛ زیرا پس از رسول خدا ﷺ نیز لازم است افرادی وجود داشته باشند که تبیین‌کننده این معجزه الهی باشند و به علوم آن آگاهی کامل داشته باشند.

۴-۲-۵. امام علی ﷺ

در منابع تفسیری اهل سنت نیز روایات متعددی وجود دارد که دلالت می‌کند «شاهد» و گواه بر «بینة» ای که از جانب خداوند بر رسول خدا ﷺ نازل شده، امام علی ﷺ است. راویان گوناگونی این قول را نقل کرده‌اند. در اینجا به‌عنوان نمونه به برخی از این روایات اشاره می‌شود.

طبری در تفسیر خود روایتی نقل کرده که صراحت در این معنا دارد. وی می‌نویسد:

«جابر بن عبد الله بن یحیی گفت: «از علی ﷺ شنیدم که می‌فرمود: «هیچ مردی از قریش نیست مگر آن‌که درباره او یک یا دو آیه از کتاب خدا نازل شده است» مردی از میان قومش پرسید: «ای امیرالمؤمنین! آیا درباره شما نیز آیه‌ای نازل شده است؟» حضرت فرمود: «آیا آیه سوره هود را نخوانده‌ای که می‌فرماید: ﴿أَقَمْنِ كَانَ عَلَى بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ﴾؟ محمد ﷺ بر بینه‌ای از پروردگار خویش است و من شاهد بر آن هستم (طبری، ۱۴۱۲: ۱۱/۱۲).

در الدرالمثور نیز چندین روایت با همین مضمون از امام علی ﷺ نقل شده که بیان می‌دارد مراد از «شاهد» در این آیه، آن حضرت است. از جمله آمده است:

«از علی بن ابی طالب ﷺ روایت کرده‌اند که فرمود: «هیچ مردی از قریش نیست مگر آن‌که آیاتی از قرآن درباره او نازل شده است» مردی پرسید: «درباره خودت چه آیه‌ای نازل شده است؟» فرمود: «مگر سوره هود را نخوانده‌ای که می‌فرماید:

﴿أَقَمَنْ كَانَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَ يُتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ﴾؛ رسول خدا ﷺ بر بینه‌ای از پروردگارش بود و من شاهده‌ی از او هستم» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳/۳۲۴).

ابن کثیر و ثعلبی نیز این روایت را در تفاسیر خود ذکر کرده‌اند (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۴/۲۷؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۵/۱۶).

افزون بر این، بسیاری از مفسران اهل سنت در تفسیر آیه مورد بحث، یکی از احتمالات مطرح شده را فضیلت امیرالمؤمنین علی ﷺ دانسته‌اند. همین امر نشان می‌دهد که این قول را به عنوان احتمالی معتبر در تفسیر آیه پذیرفته و آن را نقل کرده‌اند و در مقام انکار یا رد آن برنیاورده‌اند؛ و اگر آن را فاقد اعتبار می‌دانستند، به شیوه‌های گوناگون به رد آن می‌پرداختند. نقل و سکوت آنان در برابر این روایت، خود می‌تواند مؤید اعتبار آن باشد.

از سوی دیگر، با توجه به اینکه عموم مفسران، صدر آیه ﴿أَقَمَنْ كَانَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ﴾ را بر رسول خدا ﷺ تطبیق داده‌اند، لازمه آن است که ﴿وَيُتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ﴾ ناظر به شخصی باشد که پیروی دائمی و همه‌جانبه از پیامبر ﷺ دارد؛ تا آنجا که به مقام شهود رسیده و به منزله نفس پیامبر ﷺ به‌شمار می‌آید. چنین شخصی می‌تواند در اوصاف الهی همچون علم، حکمت، عصمت و دیگر کمالات، جانشین پیامبر بوده و همچون او بر بینه‌ای از جانب پروردگار باشد.

در صورت اختلاف درباره تعیین این «تالی» و «شاهد»، تعبیر «مِنْهُ» که در جایگاه صفت برای «شاهد» آمده، قرینه‌ای روشن‌گر است؛ زیرا دلالت بر نوعی ارتباط ذاتی و معنوی نزدیک با رسول خدا ﷺ دارد، تا آنجا که «از او» و «نفس او» خوانده می‌شود. در میان آیات قرآن، تعبیر مشابهی در آیه مباحله دیده می‌شود که خداوند می‌فرماید: ﴿فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ﴾ (صافی، ۱۴۱۸: ۱۲/۲۳۷؛ درویش، ۱۴۱۵: ۳۲۹).

بر اساس روایات متعددی از فریقین، مراد از «أَنْفُسَنَا» در این آیه، امام علی ﷺ است. سیدبن طاووس در کتاب الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، پنج روایت از منابع معتبر اهل سنت در این باره نقل کرده است (ابن طاووس، ۱۴۰۰: ۴۲-۴۶). همچنین سیدهاشم بحرانی در غایة المرام نوزده حدیث از طریق علمای عامه و پانزده حدیث از طریق خاصه در این زمینه گرد

آورده است (بحرانی، ۱۴۱۶: ۹۱/۳). بر این اساس، دلالت آیه «يُتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ» بر امامت و فضیلت امام علی علیه السلام قابل اثبات خواهد بود.

نتیجه‌گیری

چنان‌که بیان شد، تفاسیر روایی شیعه به اتفاق و با استناد به روایات فراوان و شواهد متعدد، آیه ۱۷ سوره هود را از جمله آیات مرتبط با امامت و فضیلت حضرت امام علی علیه السلام دانسته‌اند. در مقابل، مفسران اهل سنت درباره تفسیر آیه مذکور دیدگاه‌های متفاوتی مطرح کرده و مصادیقی چون: رسول خدا صلی الله علیه و آله، لسان ایشان، جبرئیل، قرآن و امام علی علیه السلام را ذکر کرده‌اند. با بررسی اقوال و تحلیل ادبی و روایی آیه، نتیجه آن است که مصداق آیه، امام علی علیه السلام است؛ زیرا:

اولاً: با توجه به تحلیل‌های واژه‌شناختی و نکات اعرابی و ادبی آیه، احتمالات مطرح‌شده دیگر با سیاق و ساختار نحوی آیه سازگار نیست و قابل ردّ می‌باشد.

ثانیاً: بسیاری از مفسران اهل سنت، فضیلت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را به‌عنوان یکی از احتمالات جدی در تفسیر آیه ذکر کرده و روایاتی در این باره نقل نموده‌اند. افزون بر این، چه آنان که این قول را نقل کرده‌اند و چه آنان که از کنار آن گذشته‌اند، در مقام ردّ و انکار اصل ارتباط آیه با فضیلت امام علی علیه السلام برنیامده‌اند و این امر در تأیید این دیدگاه قابل توجه است.

ثالثاً: حتی صرف نظر از ادله روایی، دلالت ادبی آیه نیز این معنا را تقویت می‌کند؛ زیرا اگر در تعیین «تالی» و «شاهد» اختلاف شود، وجود تعبیر «مِنْهُ» به‌عنوان صفت برای «شاهد» قرینه‌ای است بر اینکه این شخص باید دارای ارتباطی ذاتی و معنوی با رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد؛ ارتباطی در حدّ «نفس» بودن. و این معنا جز بر امیرالمؤمنین علی علیه السلام منطبق نخواهد بود.

فهرست منابع

- قرآن کریم، (۱۳۸۰). ترجمه ناصر مکارم شیرازی، چ ۱، قم، پیام عدالت.
۱. ابن ابی حاتم رازی، عبدالرحمن بن محمد، (۱۴۱۵). *تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق: اسعد محمد الطیب، چ ۳، عربستان سعودی، مکتبه نزار مصطفى الباز.
۲. ابن فارس، أبو الحسن أحمد، (۱۴۰۴). *معجم مقایس اللغة*، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، چ ۱، بیروت، مکتبه الإعلام الإسلامی.
۳. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، (۱۴۱۷). *التهذیب التهذیب*، چ ۱، بیروت، دارالمعرفه.
۴. ابن طاووس، سید علی، (۱۴۰۰). *الطرائف فی معرفة مذاهب الوائف*، چ ۱، قم، خیام.
۵. ابن عاشور، محمد طاهر، (۱۴۱۷). *التحریر والتبیین*، چ ۱، تونس، دار بوسلامه للنشر والتوزیع.
۶. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، (۱۴۱۹). *تفسیر القرآن العظیم*، چ ۱، دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴). *لسان العرب*، چ ۳، بیروت، دارالصادر.
۸. بحرانی، سید هاشم، (۱۴۱۶). *البرهان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیه موسسه البعته، چ ۱، تهران، بنیاد بعثت.
۹. بحرانی، سید هاشم، (۱۹۹۹). *غایة المرام و حجة الخصام*، چ ۱، بیروت، موسسه الاعلامی للمطبوعات.
۱۰. ثعلبی، ابواسحاق احمد، (۱۴۲۲). *الکشف و البیان*، تحقیق: ابی محمد بن عاشور، چ ۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۱. ثقفی تهرانی، محمد، (۱۳۹۸). *تفسیر روان جاوید*، چ ۱، تهران، برهان.
۱۲. حسکانی، عبیدالله بن احمد، (۱۴۱۱). *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، چ ۱، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۱۳. درویش، محیی الدین، (۱۴۱۵). *اعراب القرآن و بیانه*، چ ۱، سوریه، دار الارشاد.
۱۴. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان، (۱۴۰۷). *میزان الاعتدال فی نقد*

- الرجال، تحقیق علی محمد البجاوی، چ ۱، بیروت، بی نا.
۱۵. راغب اصفهانی، محمد بن حسین، (۱۴۱۲). مفردات ألفاظ القرآن، چ ۱، دمشق، الدارالشامیه.
۱۶. زحیلی، وهبه بن مصطفى، (۱۴۱۸). التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج، چ ۱، بیروت، دارالفکر المعاصر.
۱۷. سازمند، محمدرضا؛ مرادی، فاطمه، (۱۴۰۱). مصداق صاحب بینة و شاهد در آیه ۱۷ سوره هود با تأکید بر روایات تفسیری فریقین، نشریه «تحقیقات علوم قرآن و حدیث»، دوره ۱۹، ش ۵۶، صفحات ۱۱۷-۱۴۹.
۱۸. سیاه منصوری، محمد؛ صادقی، زهرا، (۱۳۹۴). وجوه مختلف ادبی در عبارت آغازین آیه ۱۷ سوره هود و بازتاب آن در تفسیر عبارت «شاهد منه»، مجله «تحقیقات علوم قرآن و حدیث»، دوره ۱۲، شماره ۲۶، صفحات ۱۰۱-۱۲۶.
۱۹. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، (۱۴۰۴). الدر المنثور فی تفسیر المأثور، چ ۱، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۲۰. صافی، محمود بن عبدالرحیم، (۱۴۱۸). الجدول فی اعراب القرآن، چ ۱، بیروت، دارالرشید.
۲۱. طباطبائی، سید محمدحسین، (۱۳۷۴). تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم.
۲۲. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، (۱۴۱۲). جامع البیان فی تفسیر القرآن، چ ۱، بیروت، دارالمعرفه.
۲۳. طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵). مجمع البحرین، چ ۳، تهران، مرتضوی.
۲۴. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، (۱۴۱۵). تفسیر نورالثقلین، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، چ ۴، قم، اسماعیلیان.
۲۵. عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰). کتاب التفسیر، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، چ ۱، تهران، چاپخانه علمیه.

۲۶. فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم، (۱۴۱۰). *تفسیر فرات*، تحقیق: محمدکاظم محمودی، چ ۱، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۲۷. فیض کاشانی، ملامحسن، (۱۴۱۵). *تفسیر الصافی*، چ ۲، تحقیق: حسین اعلمی، تهران، الصدر.
۲۸. قرشی، سیدعلی اکبر، (۱۳۶۷). *قاموس قرآن*، چ ۵، تهران، اسلامیه.
۲۹. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۷). *تفسیر قمی*، تحقیق: طیب موسوی جزایری، چ ۴، قم، دارالکتاب.
۳۰. مجلسی، محمدباقر، (۱۹۸۳). *بحار الأنوار*، چ ۲، بیروت، مکتبه مؤسسه الوفاء.
۳۱. مصطفوی، حسن، (۱۴۱۶). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، چ ۱، تهران، وزارت ارشاد.
۳۲. مهیار، رضا، (۱۳۷۵). *فرهنگ ابجدی*، چ ۲، تهران، اسلامی.

